

نقش تاریخ و جغرافیا در تفسیر و رمزگشایی از آیات ۱۸ و ۱۹ سوره سبأ

حمزه قربانی^۱

محسن توکلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸، صفحه ۷۰ تا ۹۴ (مقاله پژوهشی)

چکیده

تأثیرگذاری بهتر آیات قرآن کریم بر مخاطبان، مستلزم تصویرسازی روشن از آنهاست و این مهم در قصص تاریخی قرآن با بهره‌گیری از علوم تاریخ و جغرافیا انجام می‌گیرد. از جمله‌ی این قصص، قصه‌ی عبرت‌آموز قوم سبأ در سوره‌ی سبأ است. سبأ و سبئان در تحقیقات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما تاکنون هیچ تحقیقی در مورد شهرهای مبارک (الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا) و شهر و روستاهای نمایان (قُرَى ظَاهِرَةَ) در آیات ۱۸ و ۱۹ این سوره، صورت نگرفته و در تفاسیر مختلف تنها گمانه‌زنی‌هایی در مورد مکان‌های مذکور در این دو آیه انجام شده که تاکنون بررسی علمی نشده است. این پژوهش به کمک اسناد تاریخی - جغرافیایی و همچنین اصول عقلی، با بررسی علمی مناطق ذکر شده در این دو آیه، تصویر روشنی از آیات ارائه داده و به این نتیجه رسیده است که مناطق مورد نظر در این دو آیه، نمی‌توانند فاصله بسیار دوری از سرزمین اصلی سبأ داشته باشند و به احتمال زیاد، قرآن به مناطق حومه‌ی شهر مأرب امروزی در یمن اشاره کرده است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر قرآن، جغرافیای تاریخی قصه‌های قرآن، قوم سبأ.

۱. دکترای فیزیک، گروه فیزیک، دانشگاه پیام نور تهران و دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه

المهدی مهر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول): Hamzehghorbany@gmail.com

۲. استادیار و پژوهشگر پسادکتری، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه المهدی مهر اصفهان، اصفهان، ایران:

m.salehin@chma il.ir

درآمد

فهم و درک عمیق آیات قرآن، مستلزم ایجاد تصویر ذهنی از آنهاست که این تصویر ذهنی مقدمه‌ی تصدیق و عمل به آیات را فراهم خواهد کرد. در برخی از آیات قرآن؛ از جمله آیات مربوط به قصص تاریخی قرآن، داشتن تصور روشن از آیات، نیازمند استفاده از مستندات تاریخی و جغرافیایی به صورت متوازن است؛ چرا که بررسی تاریخ بدون در نظر گرفتن علم جغرافیا و نیز بررسی جغرافیایی اماکن مختلف بدون در نظر گرفتن پیشینه و تاریخ مربوط به آنها، نتیجه مطلوبی در بر نخواهد داشت. به همین دلیل برای بررسی داستان‌ها و حکایات روایت‌شده تاریخی، باید هر دو بعد زمان (تاریخ) و مکان (جغرافیا) را در نظر گرفت تا بتوان به نتایج علمی دقیق و درستی رسید.

طرح مسأله

یکی از قصص پندآموز قرآن، داستان قوم سبأ است. از این داستان در دو سوره از قرآن (سوره‌های نمل (۲۷) و سبأ (۳۴)) یاد شده است. پژوهش حاضر به بررسی این داستان در سوره‌ی سبأ می‌پردازد. سوره‌ی سبأ، سی و چهارمین سوره قرآن کریم است. در این سوره پس از ستایش خدا و ذکر علم خدا نسبت به حقیقتی جزئی‌ترین چیزها و همچنین یادآوری روز رستاخیز در آیات نخستین، در آیات بعدی به شرح نعمت‌های داده‌شده به حضرت داوود (ع) و حضرت سلیمان (ع) پرداخته و شرح مختصری درباره نعمت‌ها و عذاب‌های قوم سبأ می‌دهد. سپس در آیه ۱۸ به شهرهایی تحت عنوان «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» و «قُرَى ظَاهِرَةَ» اشاره شده است. همچنین در آیه ۱۹، اهالی سبأ از خداوند درخواست می‌کنند که بین سفرهایشان فاصله افکند. هرچند در طول تاریخ، مفسران متعددی درصدد مصداق‌یابی برای این شهرها و رمزگشایی از درخواست ایجاد فاصله در سفرها برآمده‌اند و بیشتر به نقل مطالب از یکدیگر پرداخته‌اند، ولی تاکنون این مطالب مورد بررسی علمی قرار نگرفته و به‌طور دقیق به این پرسش پاسخ داده نشده است که این مکان‌ها کجا هستند و درخواست فاصله در سفرها به چه معناست؟

یافتن پاسخ پرسش بالا و ایجاد تصویری واضح از آن در ذهن می‌تواند به عبرت گرفتن از این داستان کمک شایانی کند و چنانچه می‌دانیم، هدف خداوند از ذکر داستان‌ها در قرآن نیز همین عبرت‌آیندگان از گذشتگان می‌باشد. در این مقاله قصد داریم با توجه به داده‌های تاریخی و جغرافیایی و همچنین اصول عقلی به بررسی سؤال ایجاد شده پرداخته و جواب‌های معقولی برای آن بیابیم.

پیشینه

بررسی جغرافیایی رویدادهای تاریخی ذکرشده در کتب مقدس از دیرباز مورد توجه دانشمندان و محققان بوده است و در این باره مقالات، کتاب‌ها، اطلس‌ها و اسناد فراوانی تهیه شده است. چنانچه

گوردون فرانز^۳ و داسیلوا^۴ تحقیقات فراوانی در مورد موقعیت کوه سینا انجام داده‌اند. در مورد مکان‌های رویدادهای تاریخی و نیز داستان‌های ذکر شده در قرآن نیز مطالعاتی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به نرم‌افزار جغرافیای جهان اسلام و همچنین کتاب‌هایی از جمله: جغرافیای قرآنی یا سرزمین قرآن (عبدالماجد دریابادی)، جغرافی در قرآن (حمیده فیض آبادی - حسین پناهی)، اماکن جغرافیایی در قرآن (زهرا رضایی) و ... اشاره کرد. همچنین در این زمینه مقالاتی به چاپ رسیده است؛ از جمله: «اهمیت توجه به جغرافیا در تحلیل رویدادهای تاریخی قرآن کریم، مطالعه موردی؛ موقعیت جغرافیایی مدین شعیب» (باقرزاده فلاح، ۱۳۹۷ش) که در آن تأکید شده است: در مطالعات قرآن پژوهان و مفسران، علاوه بر عامل زمان، باید به عامل مکان نیز اهمیت داد؛ چرا که مکان‌ها بستری برای رویدادهای تاریخی هستند و با تکیه بر جایگاه مهم مکان‌پژوهی می‌توان به تحلیل و تفسیر دقیق‌تری از رویدادهای تاریخی قرآن کریم دست یافت. در این مقاله با توجه به نقشه‌ها و اطلس‌های جغرافیایی و مطالعات صورت گرفته در این زمینه، تشخیص داده شده که سرزمین مدین در شمال غرب صحرای عربستان و در مجاورت دریای سرخ قرار داشته است. همچنین در مقاله دیگری که به کوشش سید جواد خاتمی و سیده سمیه خاتمی نگارش شده است، «اهمیت جغرافیایی سرزمین احقاف در قرآن» مورد بررسی قرار گرفته است. (خاتمی، ۱۳۹۰ش)

مفهوم شناسی

برای پاسخ به سؤال این تحقیق، ابتدا مفهوم دقیق واژه‌های مطرح شده در آیات شامل واژه‌های «سبأ»، «الْقُرَى»، «القری التي بارکنا» و «قری ظَاهِرَةً» بررسی می‌شود:

سبأ

سبأ هم نام شخص و هم نام قوم و هم نام شهری در شبه‌جزیره عربستان است. قوم سبأ که بنا بر نظر مورخان و نسب‌شناسان عرب به نام پدرشان سبأ بن یشجب بن یعرب بن قحطان خوانده می‌شوند (الیوسفی غروی، ۱۴۱۷ق، ۹۹/۱؛ حسینی، ۱۳۸۰ش، ۵۰۸/۱)، گروهی از اعراب (بادیه‌نشین - های) سرزمین عربستان بودند که در سال ۸۰۰ قبل از میلاد در بخش جنوبی این شبه‌جزیره ساکن شدند و مملکت سبأ را بنیان نهادند. در کتاب آثار البلاد و اخبار العباد چنین ذکر شده است: «سبأ شهری است که در نه منزلی صنعای یمن واقع است» (عمادالدین زکریا قزوینی، ۱۳۸۰ق، ۸۲/۱) بر اساس نقشه‌های باستانی، تمدن سبئیان بین صحرای حصرموت و دریای سرخ ایجاد شده بود. (Simpson, 2002) در کتاب «دراسات فی تاریخ العرب القديم» نیز آمده است: «کلمه "sabum"

^۳ Gordon Franz MA

^۴ Ulisses Da Silva

که در متون سومری آمده به معنای «سبأ» است که در تورات آمده است و اگر چنین باشد، تاریخ سبأ به هزاره سوم قبل از میلاد می‌رسد. مونتگمری معتقد است که مردم سبأ که متون سومری از آن‌ها صحبت کرده است، اهل عربی صحرائی؛ یعنی بادیه‌نشین بوده و سپس به یمن مهاجرت کرده‌اند. برخی معتقدند که این اتفاق در قرن یازدهم قبل از میلاد بوده است. اما نظر دیگری نیز هست، مبنی بر اینکه اهالی معین، قطبان و حضرموت حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد و سبئی‌ها حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد به یمن مهاجرت کرده‌اند... نظر (هومل) در این باره این چنین است که یمنی‌ها اهل شمال عربستان بوده‌اند و در جایی زندگی می‌کردند که آشوریان آن‌را (اریبی) و (عریبی) می‌نامیدند و در تورات نیز به (یرب) و (یارب) معروف بوده است، و در قرن هشتم قبل از میلاد به یمن مهاجرت کردند و در (صرواح) و (مآرب) ساکن شدند که نام مآرب از (یارب) گرفته شده است. (بیومی مهران، ۲۳۴) پس از کشف حکاکی‌ها و سایر آثار باستانی کشف شده در یمن (جنوب سرزمین عربستان) این موضوع که ممکن است این قوم، سرزمین و امپراتوری آن‌ها افسانه بوده باشد رنگ باخته و اثبات شد که قوم سبأ و حوادث مربوط به آن‌ها که در تواریخ از آن‌ها یاد شده است، واقعا وجود داشته است. (Simpson, 2002)

القری

با جستجوی واژه «قری» در کتاب مفردات راغب به تعریف زیر می‌رسیم: «الْقَرْيَةُ: اسم للموضع الذي يجتمع فيه الناس، وللناس جميعا، ويستعمل في كل واحد منهما» (قریه: نامی است برای محل اجتماع مردم و برای همه مردم و در هر یک از آن دو به کار می‌رود). (الراغب الأصفهانی ۱۲/۴۱۶، ۶۶۹/۱) با توجه به این تعریف و همچنین در نظر گرفتن موارد کاربرد این واژه در قرآن؛ از جمله در مورد طائف و مکه که دو شهر مهم شبه‌جزیره عربستان بوده‌اند، درمی‌یابیم که بر خلاف تصور اکثریت، واژه «الْقَرْيَةُ» در قرآن به معنی روستا نیست، بلکه برای محل تجمعات انسانی (اعم از روستا یا شهر) و همچنین در مواردی برای خود مردمی که اجتماع کرده‌اند نیز به کار رفته است.

القری التي بارکنا

در کتاب العین در تعریف واژه «برکت» نوشته شده: «وَالْبَرَكَةُ: الزيادة والنماء والتبریک: الدعاء بالبركة. والمباركة: مصدر بورك فيه، وتبارك الله: تمجيد وتجليل. والبركان، والواحدة بركانة. من دق الشجر. وسميت الشاة الحلوب بركة. وفي الحديث: من كان عنده شاة كانت بركة، والشاتان بركتان.» (الفراهیدی خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، ۳۶۸/۵) چنانچه مشاهده می‌شود، برکت به معنی افزایش و رشد

و همچنین دوام داشتن نعمت‌هاست. با جستجوی کلمه‌ی بارکنا در متن قرآن کریم، به ۶ مورد تکرار این واژه در کل متن قرآن برخورد می‌کنیم که ۵ مورد آن (الأعراف: ۱۳۷؛ الإسراء: ۱؛ الأنبياء: ۷۱ و ۸۱؛ و سبأ: ۱۸) برای مکان و یک مورد آن (صافات: ۱۱۳) برای شخص (حضرت ابراهیم(ع) و حضرت اسحاق(ع)) به کار رفته است. با بررسی آیاتی که این واژه در آن‌ها برای مکان بکار رفته است، مشاهده می‌شود که منظور خداوند از مکان‌هایی که برکت در آن‌ها قرار داده شده است، فراوانی آب و نعمات، سرسبزی آن منطقه و انواع درختان و ثمرات آن‌ها و ... می‌باشد.

قری ظاهره

به باور اکثر مفسران، منظور از «قُرَى ظَاهِرَةً» شهرها و روستاهای به هم پیوسته یا نمایان (که یکی از دیگری قابل مشاهده باشد) است. ماوردی نظر مفسران در مورد این عبارت را به چهار دسته تقسیم کرده است: «فیه أربعة أوجه: أحدها: متصله ينظر بعضهم إلى بعض، قاله الحسن، و أبو مالك، الثاني: أنها العامرة. الثالث: الكثيرة الماء. الرابع: أن القرى الظاهرة هي القرى القريبة، قاله سعيد بن جبير، و الضحاك.» (ماوردی، بی تا، ۴/۴۴۵) بنابراین، این عبارت به معنای شهرها و آبادی‌های به هم پیوسته یا نزدیک به هم و یا آباد و پر آب است.

ارتباط آیات ۱۸ و ۱۹ با آیات قبل

خداوند در آیات ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ سوره سبأ فرموده:

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ (۱۵). فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَ أُثْلٍ وَ شَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶). ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ (۱۷)

برای قوم سبأ در شهرشان آیتی بود و آن دو باغستان از راست و چپ محل بود که گفتیم رزق پروردگارتان را بخورید و شکر بر او بگزارید شهری پاکیزه و پروردگاری آمرزنده (۱۵) ولی [آنان از سپاس‌گزاری در برابر نعمت و از فرمان‌های او و دعوت پیامبرشان] روی گرداندند، در نتیجه سیل [ویران‌گر] «عرم» را بر ضد آنان جاری کردیم [که دو باغ آباد راست و چپ منطقه را نابود کرد] و ما آن دو باغ پر حاصلشان را به دو باغستانی تبدیل کردیم که دارای میوه‌هایی تلخ و درخت شور‌گر و چیزی اندک از درخت سدر بودند! (۱۶). این [سیل ویرانگر] را در برابر کفرشان به آنان کیفر دادیم. آیا جز کفران‌کننده را کیفر می‌دهیم؟ (۱۷). (سبأ: ۱۵ و ۱۶ و ۱۷)

نقش تاریخ و جغرافیا در تفسیر و رمزگشایی از آیات ۱۸ و ۱۹ سوره سبأ

چنانچه مشاهده می‌شود، به دلیل ناسپاسی و ناشکری اهالی سبأ، خداوند عذابی به صورت سیلی ویرانگر بر آن‌ها نازل فرمود که سرزمین سرسبز و پر حاصلشان را به شوره‌زاری تبدیل کرد. سپس در آیات ۱۸ و ۱۹ همین سوره فرموده:

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ اَيَّامًا ءَامِنِينَ (۱۸). فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ اَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ اَحَادِيثَ وَ مَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَقٍ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوْرٍ (۱۹)

و در بین آنان و آبادی‌هایی که به آن‌ها برکت بخشیده بودیم آبادی‌های به هم پیوسته قرار داده بودیم، در میان آن‌ها سیر و سفر مقرر داشته بودیم، به آنان می‌گفتیم شب‌ها و روزها با کمال امن و امان در آن‌ها سیر و سفر کنید. (۱۸) سپس گفتند پروردگارا بین سفرهای ما فاصله انداز و بدین‌سان بر خویشان ستم کردند. آنگاه همچون افسانه‌شان گردانیدیم و پاره و پراکنده‌شان ساختیم. بی‌گمان در این برای هر شکیبای شاکری مایه‌ی عبرت است (۱۹) (سبأ: ۱۸ و ۱۹)

سؤال مهمی که در اینجا به ذهن‌خطور می‌کند این است که آیا خداوند در آیه ۱۸، مجدداً به شرح سرزمین سبأ بازگشته و این آیه در توضیح آیه ۱۵ آمده، و یا اینکه پس از نزول عذاب، دوباره سرزمین سبأ به آبادانی و امنیت رسیده است؟ در واقع باید بدانیم که آیا عذاب قوم سبأ یکبار بوده که خداوند آن‌را در آیه ۱۶ شرح داده و سپس در آیه ۱۹ نیز همان‌را مطرح کرده است، یا اینکه هرکدام از این آیات بیان‌کننده عذابی جداگانه برای قوم سبأ بوده و آن‌ها در طول تاریخ دوبار مشمول عذاب سخت الهی شده‌اند.

درباره‌ی ارتباط این دو آیه با آیات قبل، نظرات متفاوتی وجود دارد؛ برخی «واو» در «وَجَعَلْنَا» را واو استیناف دانسته‌اند، (کرباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۴۱۱) ولی برخی دیگر آن را واو عطف در نظر گرفته و معتقدند که «وَجَعَلْنَا» عطف بر «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ» در آیه ۱۵ است. در واقع، برخی، آیه ۱۸ را شرحی تکمیلی بر آیه ۱۵ دانسته‌اند. از جمله در تفسیر المیزان نوشته شده: «قوله تعالى: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً» إلخ، ضمير «بَيْنَهُمْ» لسبأ و الكلام مسوق لبیان تتمه قصتهم المطلوب ذكرها و هو عطف على قوله: «كَانَ لِسَبَإٍ». (طباطبایی، ۱۳۶۳ش، ۱۶/۳۶۵) و همچنین در تفسیر فتح‌القدیر نویسنده معتقد است که: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا، هذا معطوف على قوله: لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ». (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۴/۳۶۹) همانطور که مشاهده می‌شود، در این تفاسیر، نویسندگان معتقدند که آیه ۱۸ عطف به آیه ۱۵ است و به همین دلیل عذاب قوم سبأ را یکبار دانسته‌اند. همچنین در تفسیر نمونه آمده است: «در این آیات بار دیگر به داستان قوم سبأ باز می‌گردد

و شرح و تفصیل بیشتری پیرامون آنها می‌دهد و مجازات آنها را نیز مشروح‌تر بیان می‌کند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ ش، ۶۲/۱۸).

در این میان، مفسران معدودی اعتقاد به این دارند که «واو» در «وَجَعَلْنَا» واو عطفی است که این جمله را بر «ذَلِكَ جَزَايَهُمْ» در آیه ۱۷ عطف می‌کند. این مفسران معتقدند که پس از نزول عذاب برای قوم سبأ (مورد اشاره در آیه ۱۶)، (چند سال یا چند قرن بعد) دوباره مورد لطف خداوند قرار گرفته و سرزمین آنها آباد و پربرکت شده است (مورد اشاره در آیه ۱۸)، ولی با ناسپاسی مجدد، عذابی سخت بر آنها نازل شده و آنها را نابود کرده است. در میان تفاسیر موجود، فقط ۴ تفسیر با این نظر موافق هستند که عبارتند از: تفسیر سمرقندی یا بحر العلوم (سمرقندی، ۱۶/۱۴۱ق، ۸۶/۳)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین (کاشانی، ۱۳۵۱ ش، ۳۶۳/۷)، تفسیر اثنی عشری (حسینی شاه‌العظیمی، ۱۴۰۴ق، ۱۰/۵۲۴) و الجدید فی تفسیر القرآن‌المجید (سبزواری، ۱۴۰۲ق، ۵/۴۷۴). هرچند در بین مفسران، طرفداران این نظر بسیار کمتر از نظر دیگر است، ولی با توجه به شواهد علمی و تاریخی به نظر می‌رسد که این نظر بیشتر با واقعیت مطابق باشد، زیرا در تحقیقات ایوونا گایدان^۶ کریستین روبین^۷، الکساندر سیمان^۸، کریستین دارلس^۹ و دیگر باستان‌شناسان، مشخص شده است که سد مأرب دوبار شکسته است. زمان اولین تخریب در اواسط قرن ۴ پس از میلاد تخمین زده شده است. (Gadja et al., 2011; Maraqtan, 2014) سپس در حدود سال ۵۴۰ پس از میلاد سد بازسازی شده است. (Sima, 2003; Maraqtan, 2014) دومین تخریب که نابودی سد و از بین رفتن کامل تمدن سبئیان می‌باشد، در اواخر قرن ۶ یا اوایل قرن ۷ پس از میلاد بوده است. (Darles et al., 2011; Maraqtan, 2014). می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که دو شکست کشف شده‌ی سد مأرب توسط باستان‌شناسان، متناظر با دوبار عذاب قوم سبأ باشد.

نظرات مفسران در مورد مکان‌های ذکر شده در آیه ۱۸

دیدگاه اول

در مورد عبارت «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا» طبرانی آورده است که: «یعنی قری الشام و مصر» (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۵/۲۳۵)، شیخ طوسی از قول ابن عباس نقل کرده است که: «هی بیت المقدس» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۸/۳۸۹) طبرسی در «مجمع البیان» شهرهای با برکت را شام می‌داند: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ

۶ Iwona Gajda

۷ Christian Robin

۸ Alexander Sima

۹ Christian Darles

نقش تاریخ و جغرافیا در تفسیر و رمزگشایی از آیات ۱۸ و ۱۹ سوره سبأ

الْقَرْيَ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قَرْيَ ظَاهِرَةً» أَي وَ قَدْ كَانَ مِنْ قِصَّتِهِمْ أَنَا جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ قَرْيِ الشَّامِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا بِالْمَاءِ وَ الشَّجَرِ...» (طبرسی، ۱۳۳۸ش، ۶۰۶/۸) (یعنی از داستان آن‌ها این بود که ما میان آن‌ها و میان شهرهای شام که آن‌ها را به سبب آب و درخت برکت دادیم، شهرهایی نمایان قرار دادیم.) قرطبی نیز آورده است: «القری التي بورک فیها: الشام و الأردن و فلسطین. و البرکة: قیل إنها کانت أربعة آلاف و سبعمائۀ قریة بورک فیها بالشجر و الثمر و الماء. و یحتمل أن یکون "بارکنا فیها" بکثرة العدد. (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۲۸۹/۱۴) (آبادی های برکت داده شده شام و اردن و فلسطین است و گفته شده که آنها ۴۷۰۰ آبادی بوده اند که با درخت و میوه و آب به آن‌ها برکت داده شده بوده و احتمال هم دارد که برکت به خاطر تعداد این آبادی‌ها بوده باشد.) با جستجو در تفاسیر متعدّد دیگر نیز مشاهده شد که در بیشتر آن‌ها اشاره شده که منظور از الْقَرْيَ الَّتِي بَارَكْنَا (شهرهایی که برکت در آن‌ها قرار دادیم)، شام و یا شامات (سوریه و فلسطین و اردن و لبنان) و سرزمین‌های اطراف آن مانند مصر است. (برای مثال رک. طبری، ۱۴۱۲ق، ۵۷/۲۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۵/۲۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۵۷۷/۳) با این وصف، «قری ظاهرة» نیز روستاها و شهرهای بین یمن تا شامات خواهد بود.

دیدگاه دوم

در برخی دیگر از تفاسیر علاوه بر شامات، احتمال دیگری را نیز در نظر گرفته‌اند و آن شهر مکه می‌باشد. از جمله در تفسیر ابو حمزه ثمالی حدیثی از علی بن الحسین (علیهما السلام) نقل کرده است که یک قاضی از قاضیان اهل کوفه از امام (ع) در مورد «الْقَرْيَ الَّتِي بَارَكْنَا» سوال می‌پرسد و امام نظر او را جواباً شده و او پاسخ می‌دهد که مراد مکه است ولی امام با ردّ این نظر مراد از قریه‌ها را در این آیه «رجال» و به طور خاص اهل بیت (علیهم السلام) می‌دانند. (ثمالی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۷۲) صرف نظر از معنای خاصی که امام (ع) برای «قری» در نظر گرفته و مستندات قرآنی آن را نیز ذکر کرده‌اند، این حدیث نشان از آن دارد که در نظر عدّه‌ای، قریه‌های برکت داده شده «مکه» بوده است. محمّد عزّت دروزه بعد از آوردن نظر مفسّران که قریه‌های برکت داده شده را عموماً شامات می‌دانند، آورده است: «و العجیب ألاً یذکر القائلون بلاد الحجاز التي کانت هی الأخری مبارکة. فهی أقرب إلی بلاد سبأ أی الیمن من بلاد الشام، و بینها و بین سبأ قری و مدن عدیده. و نحن نرجح أنها هی المقصودة.» (عجیب است که کسی قائل به سرزمین حجاز نشده است که آن نیز مبارک است و به سرزمین سبأ یعنی یمن نزدیک‌تر است تا شام، و بین حجاز و سبأ آبادی‌ها و شهرهای بسیاری است و نظر ما این است که مقصود از سرزمینهای مبارک همین است.) (دروزه، ۱۴۲۱ق، ۴/۲۷۴) از میان تفاسیر، برخی همچون تفسیر هدایت برای سرزمینی که مصداق این قسمت از آیه باشد، هیچ اشاره‌ای به شام یا شامات ندارد و فقط سرزمین حجاز (مکه) را تعبیر «الْقَرْيَ الَّتِي بَارَكْنَا» می‌داند.

در این تفسیر می‌خوانیم: «درباره قریه‌هایی که از یمن تا مکه و مدینه امتداد داشت سخن می‌گویند که کسی که از یمن راه می‌افتاد تا به حجاز رود همه در زیر درختان میوه‌دار راه می‌سپرد، آن‌قدر شاخه‌های پر میوه سر فرود داشته بودند که برای چیدن آن‌ها نیازی به کوشش و تلاش اندکی هم نبود. مردم از بزرگترین نعمت‌های خدا که همانا امنیت است برخوردار بودند. وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ - میان آنان. یعنی مردم سبأ که از آنان صحبت بود، وَ بَيْنَ الْقَرَى الْآتِي بَارَكْنَا فِيهَا - و قریه‌هایی که برکت داده بودیم، یعنی مکه و حوالی آن ...» «قُرَى ظَاهِرَةٌ وَ قَدْرْنَا فِيهَا السَّيْرَ - قریه‌هایی آبادان و بر سر راه پدید آوردیم و منزل‌های برابر معنی کردیم.» (مدرسی، ۱۳۷۷ش، ۳۶۰/۱۰) بنا بر این نظر، «قری ظاهره» شهرها و روستاهای بین یمن تا حجاز و به طور ویژه مکه است.

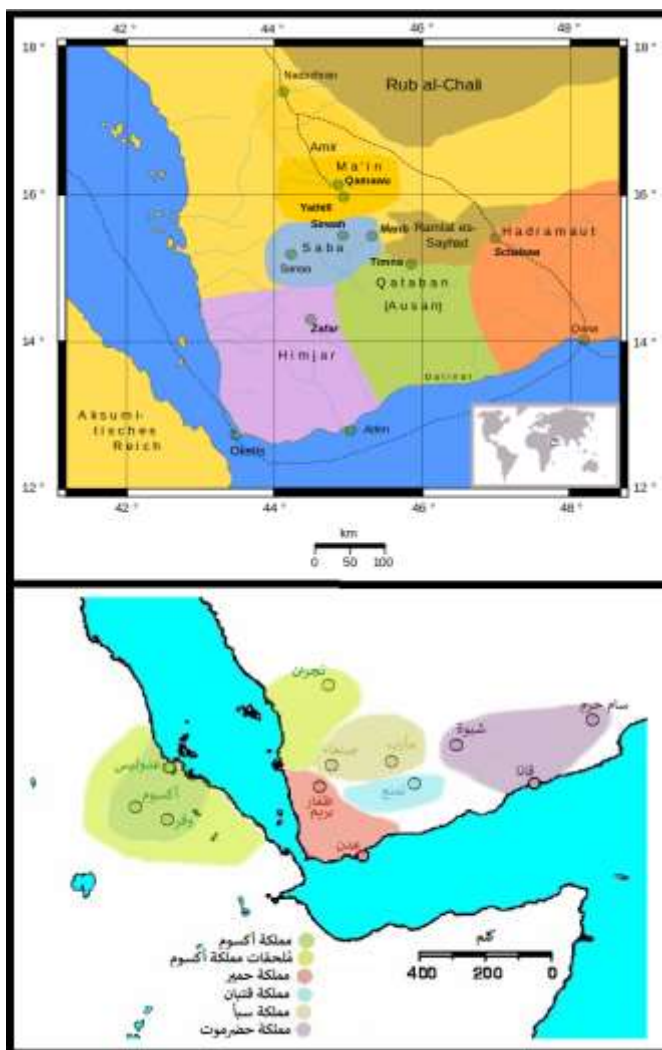
دیدگاه سوم

در یکی دو تفسیر، احتمال سومی برای «الْقَرَى الْآتِي بَارَكْنَا» در نظر گرفته شده است و آن شهرهای اطراف خود سرزمین سبأ می‌باشد. ثعلبی از قول وهب بن منبه در مورد «قری ظاهره» آورده است: «هی قری صنعاء.» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۸۴/۸) بنا بر این نظر، با در نظر گرفتن پیوستگی این شهرها و روستاها، قریه‌های مبارک نیز باید شهرهایی در اطراف صنعا باشد، چنانچه در تفسیر نمونه با در نظر گرفتن هر سه احتمال، ذکر می‌کند که: «أما در اینکه منظور از «سرزمین‌های مبارک» کدام منطقه است غالب مفسران آن را به سرزمین شامات (شام و فلسطین و اردن) تفسیر کرده‌اند، چرا که این تعبیر درباره همین سرزمین در آیه اول سوره اسراء و ۸۱ انبیاء آمده است. ولی بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که منظور آبادیهای «صنعاء» یا «مارب» بوده باشد که هر دو در منطقه یمن واقع شده است. این تفسیر بعید نیست زیرا فاصله بین «یمن» که در جنوبی‌ترین نقطه جزیره عربستان است با «شامات» که در شمالی‌ترین نقطه قرار دارد به قدری زیاد است و از بیابانهای خشک و سوزان پوشیده بوده است که تفسیر آیه به آن بسیار بعید به نظر می‌رسد و در تواریخ نیز نقل نشده است. بعضی نیز احتمال داده‌اند که منظور از سرزمین‌های مبارک سرزمین «مکه» باشد که آن هم بعید است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ۶۳/۱۸)

تعیین زیستگاه قوم سبأ و بازه‌ی زمانی آن

برای اینکه بتوانیم از بین دیدگاه‌های مطرح‌شده، انتخاب درستی داشته باشیم، می‌بایست اطلاعات کافی و صحیحی راجع به زمان و مکان زندگی قوم سبأ و تمدن آن‌ها داشته باشیم. براساس نقشه‌های تاریخی، سرزمین و تمدن سبأ در جنوب شبه جزیره عربستان واقع شده بود (شکل ۱).

نقش تاریخ و جغرافیا در تفسیر و رمزگشایی از آیات ۱۸ و ۱۹ سوره سبأ



شکل ۱: نقشه جنوب سرزمین عربستان و ممالک آن منطقه (Wikipedia, Yemen 100 BC)

مؤلف کتاب «موسوعه التاريخ الاسلامی» در کتاب خود آورده: مورخان قدیم ذکر کرده‌اند که سرزمین سبأ یکی از حاصلخیزترین، غنی‌ترین و فراوان‌ترین سرزمین‌های یمن بوده است. (الیوسفی غروی، ۱۴۱۷ق، ۹۹/۱). همچنین در کتاب «مقایسه دوره جاهلیت و اسلام» آمده: «یمن که در جنوب جزیره العرب واقع است، از حاصلخیزترین و پردرآمدترین نقاط آن به شمار می‌رفت. زیادی نعمت در این ناحیه سبب شد که عرب‌های قدیم آن را سرزمین مبارک عرب بنامند» (بینش، ۵۴).

با توجه به جغرافیای آن منطقه، چگونه است که در تاریخ از سرزمین سبأ به‌عنوان سرزمینی حاصلخیز و پرنعمت یاد شده است؟ می‌دانیم به‌دلیل شرایط جغرافیایی از جمله وجود بیابان‌های مرتفع و مناطق کوهستانی، در این منطقه رودخانه دائمی وجود ندارد. هنگام بارندگی، در مناطق کوهستانی باران‌های شدیدی می‌بارید، به‌طوری‌که سیل‌های عظیمی به راه می‌افتاد و با سرازیر شدن از کوهستان‌ها، به شهرها و آبادی‌ها می‌رسید و ویرانی‌های زیادی به بار می‌آورد و با ورود به دشت‌ها و بیابان‌های منطقه، در ریگزارها و ماسه‌زارها فرو می‌رفت. از طرفی با شروع فصل تابستان، خشکی و کم‌آبی بر این منطقه چیره می‌گشت. به همین دلیل مردم سبأ به این فکر افتادند که با ساختن سدّ نه تنها از ویرانی سیل‌ها جلوگیری کنند، بلکه در این صورت امکان ذخیره‌سازی آب برای مصرف در دوران بی‌آبی را نیز داشته باشند. بنابراین، سدهای مختلفی در مناطق کوهستانی سبأ ساخته شد که بزرگ‌ترین و معروف‌ترین آن‌ها سد مأرب نام داشت (عباسی جامد، ۱۳۸۶، ۵۹). پس از ایجاد سدها و ذخیره‌سازی آب فراوان، کشاورزی در این منطقه رونق گرفت، شهرها آباد و زمین‌ها سرسبز شد و باغ‌ها و بوستان‌های مختلفی پدیدار گشت.

در مقاله‌ای که هاروردر سال ۲۰۰۸ منتشر کرد، یادآوری کرده است که در بسیاری از مناطق یمن باستان، شهرها در مناطقی رشد کردند که در آن می‌توانستند از آب چشمه‌ها و یا از آب‌های سیلاب استفاده کنند و این سیستم‌های آبیاری پیچیده‌تر با چالش‌های تخصیص و مدیریت مواجه شدند که بدون شک به قدرت درون جامعه و تغییرات اجتماعی متفاوت کمک کرد. (Harrower, 2008, 87) در تحقیق کوهن^{۱۰} و همکارانش، اشاره شده است که تحلیل‌های باستان‌شناسی در یمن نشان‌دهنده فعالیت‌های انسانی از حدود ۵۶۰۰ سال پیش در آن منطقه می‌باشد. همچنین اشاره شده است که چندین سیستم آبیاری در سبأ وجود دارد که قدمت آن‌ها از چهار هزار سال قبل از میلاد تا دوران پس از اسلام تخمین زده می‌شود. (شکل ۲ نشان‌دهنده مکان حوزه‌های آبخیز و آبریز سرزمین سبأ بر روی نقشه می‌باشد). دانشمندان و باستان‌شناسان با بررسی داده‌های رادیوکربن از رسوبات مخزن سد مأرب، قدمت سد و همچنین آغاز استفاده از سیستم آبیاری آن منطقه را مربوط به حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد تشخیص داده‌اند. (Kühn, P., Pietsch, D., Gerlach, I., 2010, 37/6, 1305-1310) این موضوع نشان می‌دهد که تمدن سبأ از هزاران سال قبل از میلاد تا دوران پیش از ظهور اسلام در یمن وجود داشته است.

۱۰ Harrower, M.

۱۱ Kuhn



شکل ۲: نقشه حوزه‌های آبخیز و آبریز سرزمین یمن (Kühn, P., Pietsch, D., Gerlach, I., 2010, 37/6, 1305-1310)

با به دست آوردن محصولات و فرآورده‌های مختلف کشاورزی، تجارت در این سرزمین هم رونق گرفت و راه‌ها و شاهراه‌های مواصلاتی بین سرزمین‌های مختلف با این سرزمین ایجاد شد. مردم سبأ، که هم در کشاورزی و هم در تجارت سرآمد شده بودند، به نفوذ خود در سرزمین‌ها و ممالک اطراف رو آورده و نه تنها سرزمین خود را گسترش دادند، بلکه بر قری و قصبات همسایه نیز تسلط کامل داشتند. نقشه‌های بدست آمده و ترسیم شده از یمن باستان، نشان‌دهنده گسترش تمدن سبئیان به مناطقی از جمله: از سمت شمال مأرب، معین، نجران و بلکه فراتر از آن؛ از سمت جنوب سواحل بحرالعرب (خلیج عدن)؛ از سمت شرق صحرای حزموت و از سمت غرب کوهستان‌ها و سواحل بحرالقلزم (دریای سرخ) می‌باشد. شکل ۳ نشان‌دهنده مملکت یمن باستان در جزیره‌العرب می‌باشد.



شکل ۳: نقشه یمن باستان در جزیره العرب (<https://arwordshub.com/>) حدود-جزیره-

(العرب/)

نقد دیدگاه اوّل و دوم مفسران

فاصله سرزمین سبأ تا شامات

با توجه به نقشه‌های ماهواره‌ای، نرم‌افزارهای جغرافیایی و یا حتی اپلیکیشن‌های مختلفی که تصاویر ماهواره‌ای را دربردارند، می‌توان فاصله بین سرزمین سبأ (یمن فعلی) تا شامات (محدوده سوریه، لبنان، اردن و فلسطین امروزی) را محاسبه کرد. چنانچه مشاهده می‌شود، با کمک اپلیکیشن Measure Map Pro این مسافت بیش از ۲۶۰۰ کیلومتر تعیین شده است (شکل ۴). هرچند بر اساس نقشه‌های موجود در دوره قبل از اسلام، بین سرزمین سبأ (یمن) تا شام برای کاروان‌هایی که از جنوب سرزمین عربستان قصد تجارت با سرزمین شام را داشتند، یا حتی کسانی که از اقیانوس هند به وسیله‌ی کشتی به جنوب عربستان می‌آمدند و مقصدشان شامات بوده، مسیرهای تجاری وجود داشته است (خریطة خطوط السیر الرئيسية للقوافل عبر الجزيرة العربية، ۲۰۲۱م، سایت Openedition؛ شبه الجزيرة العربية قبل الإسلام، ۲۰۲۱م، سایت Mawdoo3.com). اما چنانچه در شکل‌های ۵ الف و ب مشاهده می‌شود، بیشتر این مسیر از مناطق کوهستانی و یا بیابانی عبور می‌کند.

نبود آثار تمدن در طول مسیر سبأ تا شامات

در تفسیر أحسن‌الحديث ذیل آیه ۱۸ سوره سبأ آمده است: «اگر منظور از الْقَرْیَ الْاَلْتِی بَارَكْنَا شهرها و روستاهای شام باشد، در این صورت باید معتقد بود در آن روز آبادی‌های یمن تا شامات در کرانه بحر احمر از صنعا تا سوریه فعلی امتداد داشته است، این فاصله که اکنون اکثراً ریگزار و بیابان‌هاست، آن موقع آباد بوده‌اند» (سید علی اکبر قرشی، ۱۳۷۷ش، ۸/۲۷۷).

همچنین در تفاسیر دیگری می‌خوانیم که نوشته‌اند «از مَآرِب که منزل اهل سبأ بود، تا شام، چهار هزار و هفتصد قریه پدید آمد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ۶/۳۲۹؛ محمدتقی مدرس، ۱۳۷۷ش، ۱۰/۳۶۰؛ ملا حسین واعظ کاشفی، ۱۳۶۹ش، ۱/۹۵۷؛ حقی بروسوی، ۱۴۰۵ق، ۷/۲۸۵) که با توجه به فاصله حدود ۲۶۰۰ کیلومتری مارب تا شامات، به این معنی می‌باشد که تقریباً هر ۵۵۰ متر، یک روستا یا شهر باشد! چنانچه منظور از الْقَرْیَ الْاَلْتِی بَارَكْنَا شهرها و روستاهای شام باشد، می‌بایست در طول این ۲۶۰۰ کیلومتر آثار باستانی‌ای به‌جامانده از تمدن آن دوران بدست آمده باشد و این درحالی‌است که در کاوش‌های باستان‌شناسی تاکنون هیچ اثری از مکان‌های تجمعات انسانی (شهرها یا روستاهای) فرض شده در طول این مسیر ۲۶۰۰ کیلومتری ذکر نشده است و همه آثار و اشیای باستانی کشف‌شده در محدوده منطقه باستانی سبأ (همراه با شهر مَآرِب و اطراف آن) گزارش شده‌اند (Simpson, 2002; Maraqten, 2014). مضاف بر این، همان‌طور که ذکر شد در آیه ۱۸ سوره سبأ از محل زندگی مردم سبأ به‌عنوان مکانی که برکت در آن قرار داده شده سخن به میان آمده است. قاعدتاً در این منطقه (محل زندگی مردم سبأ) باید برای آبیاری باغستان‌ها و مزارع و... (که مصداق برکت آن سرزمین بوده)، سیستم آبیاری‌ای وجود می‌داشته. پس از کاوش‌های باستان‌شناسی و شناسایی بقایای سد مَآرِب، محققان بر آن شدند تا به بررسی ظهور و توسعه سیستم آبیاری و مبنای فنی آبیاری اولیه در این منطقه بپردازند (Harrower, 2008, 87; Harrower, 2010, 1449). دانشمندان در تحقیقات به‌عمل‌آمده در محدوده باستانی سبأ و اطراف آن (Wadi sana) موفق به شناسایی رسوبات باستانی آبیاری و شبکه آبیاری منظمی شده‌اند (Harrower, 2010, 1449). تصاویر ماهواره‌ای در عکس ۵، نشان‌دهنده‌ی سازه‌های آبیاری باستانی کشف‌شده در محدوده سرزمین باستانی سبأ می‌باشد (Harrower, 2008, 87; Harrower, 2010, 1449). ولی همه این کشفیات در محدوده باستانی سرزمین سبأ می‌باشند و هیچ سیستم آبیاری باستانی و یا حوزه آبریز باستانی‌ای در مسیر سبأ به شام شناسایی نشده است.



شکل ۴: فاصله بین سرزمین سبأ (یمن فعلی) تا شامات (محدوده سوریه، لبنان و فلسطین امروزی)

به کمک اپلیکیشن Measure Map Pro.

نقش تاریخ و جغرافیا در تفسیر و رمزگشایی از آیات ۱۸ و ۱۹ سوره سبأ

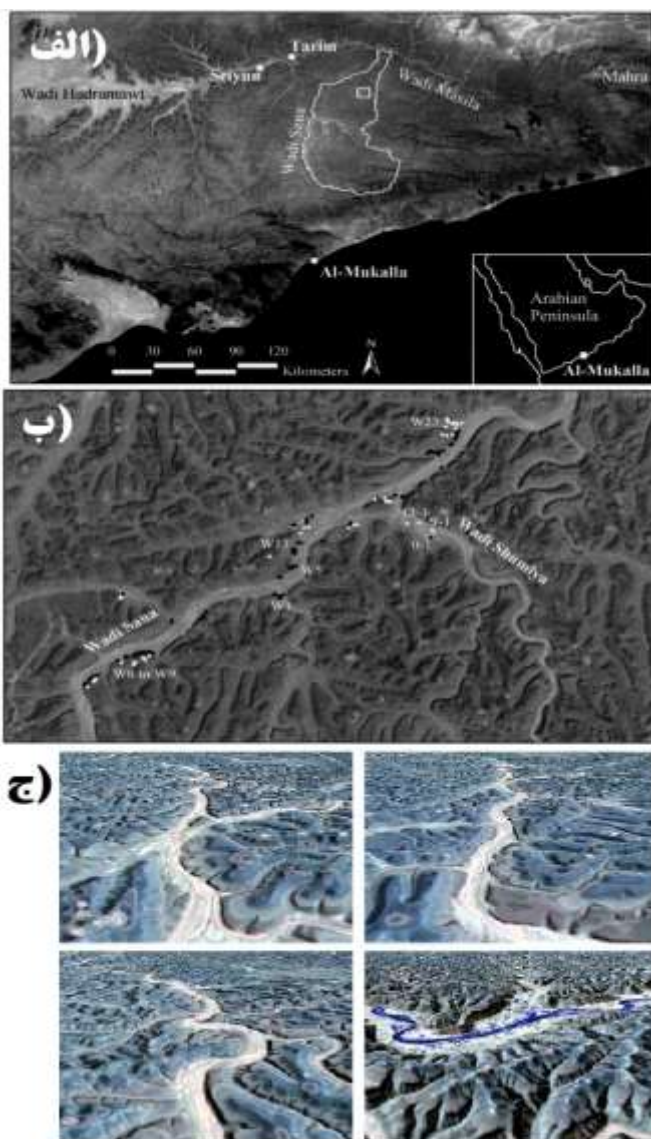


شکل ۵: نقشه مسیرهای تجاری مربوط به دوران پیش از اسلام در شبه جزیره عربستان همراه با ارتفاعات شبه جزیره (خريطة خطوط السير الرئيسية للقوافل عبر الجزيرة العربية، ۲۰۲۱م، سایت Openediton: شبه الجزيرة العربية قبل الإسلام، ۲۰۲۱م، سایت Mawdoo3.com)

این در حالی است که بسیاری از تفاسیر ذیل آیه ۱۸ سوره سبأ درباره قُرَى ظاهره ذکر شده است که: «یکی از شگفتی‌ها و آیاتی که در موطن و سرمنزل مردم سبأ وجود داشت آن بود که در فاصله بین شهر ایشان و شهرهای پربرکت شام قریه و آبادی‌هایی متصل به یکدیگر پدیدار نموده با مسافت‌های معین و کوتاه بطوری که مزارع و باغ‌های این قریه‌ها به مزارع و بوستان‌های قریه دیگری متصل پیوسته بود. صبحگاه از آن بیرون آمده چاشت به قریه دیگری منزل نموده از آنجا کوچ کرده شبانگاه به سومین قریه می‌رسیدند. زنان ایشان زنبیلی بر سر نهاده و به دست نخ می‌تاییدند و سیر می‌نمودند به منزل دیگر که می‌رسیدند زنبیل آن‌ها از میوه درختان بین راه پراز میوه می‌شد و تمام مسافت بین یمن تا شام چنین بود. احتیاجی به زاد و راحله نداشتند» (بروجردی، ۱۳۹۴ ش، ۴۰۷/۵). این تعبیر در تفاسیر دیگری نیز ذکر شده است. این درحالی است که اگر این روستاهای به هم پیوسته از یمن تا شام (به طول تقریبی ۲۶۰۰ کیلومتر) گسترده بودند، قاعدتاً باستان‌شناسان باید برای چنین باغ‌های سرسبز و پراز محصول این آبادی‌ها، سیستم آبیاری‌ای همانند آنچه در اطراف سرزمین سبأ و شهر مأرب کشف شده، پیدا می‌کردند و یا حداقل در عکس‌های ماهواره‌ای در پس رسوبات، مسیرهای آبیاری به باغات مشاهده می‌شد (همانند آنچه در عکس ۷ برای محدوده سبأ مشاهده شده است). پس با در نظر گرفتن موارد فوق، احتمال اینکه در این آیه منظور از الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا شَهْرَهَا و روستاهای شامات باشد، کمی بعید به نظر می‌رسد.

در مورد دیدگاه دوم مفسران که همان سرزمین حجاز و شهرهای مکه و مدینه می‌باشد، با توجه به اینکه (بر اساس نقشه‌ی نشان داده‌شده در شکل ۴)، مکه در میانه مسیر تجاری بین سرزمین سبأ به شام واقع شده است و مسافت سرزمین سبأ تا سرزمین حجاز بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر می‌باشد، می‌توان تمامی عوامل یادشده در بالا (کوهستانی بودن مسیر، نبود هیچ اثر باستانی در طول مسیر، نبود هیچ اثری از سیستم آبیاری باستانی و ...) در اینجا هم عاملی برای بعید دانستن ایجاد شهرها و روستاهای نزدیک به هم و سرسبز در بین سبأ و حجاز می‌باشد. مضاف بر اینکه اگر سرزمین‌های حجاز (و به تبع آن شهر مکه و خانه کعبه) مصداق «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا» در آیه ۱۸ سوره مبارکه سبأ باشد، پس وقتی عذاب (سیل یا هر عذاب دیگری) بر مردم سبأ نازل شد و تمدن آنها را از بین برد و سرزمین‌های آباد و سرسبز را تبدیل به شوره‌زار کرد، پس توان تخریب یا خسارت زدن به کعبه را نیز می‌توانسته داشته باشد.

نقش تاریخ و جغرافیا در تفسیر و رمزگشایی از آیات ۱۸ و ۱۹ سوره سبأ



شکل ۶: نقشه تصویر ماهواره‌ای MODIS از منطقه حضرموت و سرزمین سبأ (Harrover, 2008, 87; Harrover, 2010, 1449). الف) حوضه آبخیز وادی سبأ به شکل قطره اشک نشان داده شده است (ب) نقشه تصویر ماهواره‌ای ASTER که منطقه سبأ و اطراف را نشان می‌دهد که در آن بیشتر سازه‌های آبیاری باستانی یافت شده است. ج) مدل دیجیتالی ارتفاعات (DEM) (رزولیشن ۱۵ متر) استخراج شده از تصاویر ماهواره‌ای ASTER با نرم افزار PCI Geomatics (Harrover, 2010, 1449).

همچنین می‌توان گفت با توجه به تقدس کعبه از قدیم‌الایام تا آن روز (و تاکنون)، طبعاً باید گزارش چنین عذاب و تخریبی که شهر مکه و خانه کعبه را تحت تأثیر قرار داده باشد، در تواریخ ذکر می‌شد، ولی چنین چیزی در هیچ‌کدام از کتاب‌های تاریخی و یا در نقل‌قول‌ها وجود ندارد. لذا به‌احتمال زیاد مکه را نیز نمی‌توان به‌عنوان مصداق «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا» در آیه ۱۸ سوره مبارکه سبأ دانست.

تناقض در «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا» و «(بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا)) مربوط به شامات و حجاز

چنانچه در آیه ۱۸ سوره مبارکه سبأ و تفاسیر مربوطه خواندیم، اهالی سبأ به‌راحتی در بین شهر خودشان و شهرهایی که برکت در آنها قرار داده شده بود در حال سیر و سفر بودند و از روستاهای بین آنها گذر می‌کردند. از طرفی در آیه ۱۹ همین سوره و تفاسیر مربوط به آن آمده که مردم این سرزمین از خداوند درخواست کردند که بین سفرهای ما فاصله بینانداز و خداوند نیز به سبب کفران نعمت و عصبان آن‌ها، همان دعای خودشان را به شکل عذاب بر آن‌ها نازل کرد. سپس در تفاسیر و تواریخ ذکر شده که اهالی سبأ پس از نزول عذاب و تبدیل شدن سرزمین شان به شوره‌زار، هرکدام به سمتی مهاجرت کردند. چنانچه در تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن ذکر شده: «(تفرقوا آیادی سبأ) آی تشتتوا أعظم التشتت قال الشعبي: أما غسان فالحقوا بالشام، و أما الأنصار فالحقوا بيثرب، و أما خزاعه فالحقوا بتهامه، و أما الأزد فالحقوا بعمان» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ۳۸۹/۸). همچنین در تفاسیر دیگری، از جمله تفسیر قرطبی و ابوالفتوح رازی ذکر شده است که به گفته‌ی بعضی قبیل «غسان» به شام رفتند و «اسد» به عمان و «خزاعه» به سوی تهامه و طایفه «انصار» به یثرب (ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۶۵/۱۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۲۹۱/۱۴).

اکنون تصور کنیم که بنا بر قول اکثر مفسران، تعبیر «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا» سرزمین‌های شامات و یا حجاز باشد. بنا بر آیات قرآن و توضیح مفسران و مورخان، مردم سبأ قبل از نزول عذاب به‌راحتی و بدون نیاز به زاد و توشه به شهرها و روستاهایی که خداوند در آنها برکت قرار داده بود و همین‌طور روستاهای میان آنها، در رفت‌وآمد بودند و سفر می‌کردند. سپس مردم سبأ از خداوند آرزوی سفرهای دور کردند، خداوند با نزول عذاب، آنها را به خواسته خودشان (که بعید بودن سفرها بود) رساند و آنها بعد از عذاب به شام و یثرب و ... مهاجرت کردند! در اینجا به یک تناقض رسیدیم. در واقع نمی‌توان این شهرها را هم مصداق سفرهای دور و دراز بعد از عذاب در نظر گرفت، و هم مصداق «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا» که به راحتی و بدون زاد و توشه در بین آنها سفر می‌کردند. درواقع اگر شامات و یا حجاز را مصداق «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا» در نظر بگیریم، به این تناقض خواهیم رسید.

تعیین محدوده‌ی شهرهای مبارک و قریه‌های آشکار

با توجه به توضیحات داده شده، متوجه می‌شویم که نه محدوده‌ی شامات و نه سرزمین حجاز، هیچ‌کدام مصداق مکان‌های مورد اشاره در آیه‌ی ۱۸ سوره سبأ نیستند. همان‌طور که در بخش ۷ توضیح داده شد، سبئیان با ایجاد سدّ و حاصلخیز شدن زمین‌ها و رونق گرفتن کشاورزی، قری و قصبات همسایه را نیز تحت تأثیر تمدن خود قرار دادند و با تسلط بر آن‌ها به گسترش سرزمین خود پرداختند. در تحقیقات دانشمندان و باستان‌شناسان (از جمله ویلکینسون^{۱۲}، مراطن^{۱۳}...) در محدوده‌ی سد مأرب، سرزمین‌هایی به وسعت ۹۶۰۰ هکتار کشف شده‌است که دو مرزدار شمالی و جنوبی در دو سمت سد مأرب را تشکیل می‌دهد (Wilkinson, 2003; Maraqtan, 2014). باستان‌شناسان این دو مرزدار را متناظر با باغ‌های مورد اشاره در آیه ۱۵ سوره سبأ «جَنَّانٍ عَن يَمِينٍ وَ شِمَالٍ» دانسته‌اند. کشف این دوباغ در منطقه‌ی مأرب و در کنار سد مأرب، دلیل بر ادعای تسلط بر سرزمین‌های همسایه توسط قوم سبأ است. چرا که در قرآن از آنها به عنوان محل اقامت قوم سبأ یاد شده است. (سبأ: ۱۵) با توجه به نقشه‌های به دست آمده (شکل ۳)، چنانچه شرح داده شد، مناطقی از جمله مأرب، معین، نجران و بلکه فراتر از آن از سمت شمال، سواحل بحرالعرب (خلیج عدن) از سمت جنوب، صحرای حضرموت از سمت شرق و همچنین کوهستان‌ها و سواحل بحرالقلزم (دریای سرخ) از سمت غرب سرحدات سرزمین سبأ را تشکیل می‌داد. از آن‌جا که در آن دوران زمین‌های شهرهای آن منطقه حاصلخیز و پرمحصول بودند، لذا می‌توانند مصداق «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا» باشند و از طرفی با توجه به تعداد زیاد شهرها و روستاهای ایجاد شده در آن منطقه به دلیل توسعه‌ی کشاورزی در زمین‌های حاصلخیزشان، این کانون‌های جمعیتی می‌تواند مصداق «قُرَى ظَاهِرَةً» باشد. لذا با توجه به توضیحات ارائه شده، قوی‌ترین احتمال برای مکان‌های مورد اشاره در آیه ۱۸ سوره سبأ، همان سرزمین سبأ و شهرهای اطراف آن می‌باشد.

علت عذاب قوم سبأ

در مورد علت عذاب قوم سبأ، در تفاسیر متعددی ذیل آیه ۱۹ سوره سبأ اشاره کرده‌اند که اهالی سبأ از خداوند تقاضا کردند که در میان سفرهای آنها فاصله افکند. آن‌ها گفتند: پروردگارا میان سفرهای ما دوری بیفکن تا بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند. (برای مثال رک. طوسی، ۱۴۰۹ق، ۲۶۴/۱۷؛ طبرسی، ۱۳۳۸ش، ۶۰۶/۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۶۳/۱۶؛ بروجردی، ۱۳۹۴ش، ۴۰۷/۵) در توضیح دلیل این درخواست از جانب اهالی سبأ، در تفاسیر دو دلیل متفاوت

۱۲ Wilkinson

۱۳ Maraqtan

ذکر شده است. دسته‌ای از تفاسیر بر این عقیده‌اند که به دلیل ایجاد روحیه‌ی تکبر و خودبرتربینی در اغنیا و بزرگان این قوم از خداوند درخواست کردند که فقرا نتوانند همانند آن‌ها به سفر رفته و بین آن‌ها و فقرا تفاوت ایجاد شود. از جمله در تفسیر منهج‌الصادقین فی الزام‌المخالفین آمده است: «توانگران را بر درویشان حسد آمد که میان ما و ایشان در رفتن هیچ فرقی نیست چه پیاده و مفلس این راه را چنان می‌رود که سواره و توانگر. فَعَالُوا پس گفتند اغنیای ایشان رُبنا ای پروردگار ما بَاعِدْ دور افکن بَیْنِ اُسْفَارِنَا میان منازل سفرهای ما یعنی بیابان‌ها پدید کن از منزلی به منزلی تا مردم بی‌زاد و راحله سفر نتوانند کرد وَ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ و ستم کردند بدین دعا» (ملا فتح اله کاشانی، ۱۳۵۱ ش، ۳۶۳/۷). دلیل دومی که مفسران نقل کرده‌اند و منطقی‌تر به نظر می‌رسد این است که اهالی سبأ پس از آن‌همه نعمت و شوکت که از جانب خداوند به آن‌ها عطا شده بود، به‌جای سپاسگزاری و تشکر از خداوند، دچار کفران نعمت شده و همانند قوم بنی‌اسرائیل که از منّ و سلوی خسته شده و درخواست غذای دیگری کردند، خواهان رویه‌ی دیگری برای زندگی خود شدند. در واقع، علاوه بر ناسپاسی، زیاده‌خواه نیز شده بودند و درخواست نعمات و سفرهای بیشتر و طولانی‌تر داشتند. چنانچه در ادامه‌ی تفسیر منهج‌الصادقین فی الزام‌المخالفین آمده است: «یا بجهه کفران نعمت بر نفس خود یعنی در نعمت بطر نمودند و از عافیت ملال گرفته شکر آن را به‌جا نیاوردند». همچنین در تفسیر جلاء‌الأذهان و جلاء‌الأحزان آمده: «ایشان را ازین حال بطر آمد طاغی و یاغی شدند بر نعمت و عافیت شکر و صبر نکردند و محنت و رنج طلبیدند و گفتند: ای خدای ما دور گردان میان سفرهای ما و منزل‌های ما و بیابان‌های ما ساده گردان تا ما زادوراحله و آب برگیریم چنان‌که دیگر مسافران، ایشان بر نفس خویش ستم کردند به کفر و معصیت» (ابوالمحاسن جرجانی، ۱۳۴۱ ش، ۴۷/۸).

نتیجه

اکثر مفسران برای مصادیق عبارت‌های «الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا»، «قُرَى ظَاهِرَةً» و «رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ اُسْفَارِنَا» در آیات ۱۸ و ۱۹ سوره سبأ، شهرها و آبادی‌های شامات و بعضاً حجاز را در تفاسیر نقل کرده‌اند، اما با استفاده از علوم تاریخ و جغرافیا و همچنین استدلالات و دلایل عقلی می‌توان به این نتیجه رسید که بعید به نظر می‌رسد منظور شامات یا حجاز بوده باشد. بلکه بهترین احتمال برای مصادیق این عبارات قرآنی، شهرها و روستاهای حومه‌ی خود سرزمین سبأ و شهر مأرب امروزی کشور یمن است.

اینک با توجه به توضیحات و ادله‌ی ذکرشده، می‌توان تصور درستی از آیه‌های مورد اشاره در ذهن به این شرح ایجاد کرد: پس از این‌که اهالی سبأ با ایجاد سد و مهار آب‌های ویرانگر باران‌های سیل‌آسا، از آن آب‌ها برای آبادانی و سرسبزی سرزمین خود استفاده کردند، برکات خداوند به آن‌ها

نقش تاریخ و جغرافیا در تفسیر و رمزگشایی از آیات ۱۸ و ۱۹ سوره سبأ

و سرزمین آن‌ها جاری شد و شهر و دیارشان به همراه همه آبادی‌های اطراف آن (که در اثر سرسبزی و فراوانی نعمت ایجاد شده بود) پربرکت شد و سفر و تردد در بین شهرها و روستاهای اطراف برایشان به راحتی و با امنیت کامل در شب‌ها و روزها مقدر بود. ولی اهالی سبأ قدر نعمت‌های خدادادی را ندانسته و شکرگزار نبودند. به همین دلیل خداوند آن‌ها را عذاب نمود. پس از گذشت چندین سال، دوباره تمدن سبأ سرپا شده و مجدداً نعمات خداوند به سرزمین آن‌ها سرازیر شد. اهالی سبأ این بار نیز قدر عافیت ندانسته و علاوه بر ناسپاسی، به زیاده‌خواهی در نعمات نیز پرداختند. به همین دلیل خداوند یکباردیگر بر آن‌ها عذاب نازل کرد. این عذاب به گونه‌ای بود که خودشان در دعاهایشان درخواست می‌کردند. به صورتی که آن‌ها از خداوند خواستند که بین آن‌ها و در سفرهای آن‌ها مسافتی طولانی قرار دهد. خداوند نیز با بارش‌های سیل‌آسا و همچنین ویران کردن سدهای آن سرزمین، تمدن آن‌ها را نابود کرد و با تبدیل کردن آن سرزمین سرسبز و آباد به یک وادی خشک و شوره‌زار، آن‌ها (احتمالاً بازماندگانشان از عذاب) را مجبور به هجرت به سرزمین‌های بسیار دور کرد و بدین ترتیب آن‌ها راهی سفرهای طولانی و دوردرازی شدند که آرزوی ایشان را داشتند. لذا به نظر می‌رسد که هدف خداوند از بیان این داستان، پندآموزی بندگان در زمینه شکرگزاری و قدردانی از نعمات پروردگار و همچنین ذکر عاقبت ناسپاسی و ناشکری توأم با زیاده‌خواهی باشد.

منابع

منابع فارسی

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲. باقرزاده فلاح، علی (۱۳۹۷ش)، *اهمیت توجه به جغرافیا در تحلیل رویدادهای تاریخی قرآن کریم؛ مطالعه‌ی موردی: موقعیت جغرافیایی مدین شعیب، مجله تاریخ و فرهنگ، شماره ۲-۱۰۱، ص ۸۵-۹۸.*
۳. بروجردی، سید ابراهیم (۱۳۹۴ش)، *تفسیر جامع*، ج ۵، تهران، انتشارات عصر ظهور.
۴. بینش، عبدالحسین (۱۳۸۹ش)، *آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی*، تهران، انتشارات زمزم.
۵. بینش، عبدالحسین (بی تا)، *مقایسه دوره جاهلیت و اسلام*، مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن.
۶. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن (۱۳۴۱ش)، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*، ج ۸، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۷. حسینی، حسین (۱۳۸۰ش)، *قصه های قرآن بر اساس تفسیر نمونه*، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۸. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۴۰۴ق)، *تفسیر اثنا عشری*، ج ۱۰، انتشارات میقات.
۹. خانمی، سید جواد (۱۳۹۰ش)، *بررسی اهمیت جغرافیایی سرزمین احقاف در قرآن*، مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۵، ص ۵۹-۷۲.
۱۰. عباسی جامد، مسعود (۱۳۸۶ش)، *قوم سبا و سد مأرب*، بشارت، شماره ۵۹.
۱۱. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، ج ۸، تهران، چاپ و نشر بنیاد بعثت.
۱۲. کاشانی، ملا فتح اله (۱۳۵۱ش)، *تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، ج ۷، تهران، انتشارات علمیه.
۱۳. مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۷ش)، *تفسیر هدایت*، ج ۱۰، آستان قدس رضوی.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ش)، *تفسیر نمونه*، جلد ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. -----، (۱۳۸۷ش)، *تفسیر نمونه*، ج ۱۸، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. ملا حسین واعظ کاشفی (۱۳۶۹ش)، *تفسیر مواهب علیّه*، تهران، چاپخانه اقبال.
- منابع عربی**
۱۷. ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار (۱۴۲۰ق)، *تفسیر القرآن الکریم (ثمالی)*، لبنان- بیروت، دار المفید.
۱۸. الراغب الأصفهانی (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، جلد ۱، بیروت، لبنان.
۱۹. الشیخ الطوسی (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۷، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۰. الفراهیدی، الخلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، جلد ۵، قم، موسسه دار الهجره.
۲۱. الیوسفی غروی، الشیخ محمد هادی (۱۴۱۷ق)، *موسوعه التاریخ الاسلامی*، ج ۱، قم، مجمع الفكر الاسلامی.
۲۲. بیومی مهران، محمد (بی تا)، *دراسات فی تاریخ العرب القديم*، دار المعرفه الجامعیه الطبعة.
۲۳. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، لبنان- بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۴. حقی بروسوی، اسماعیل (۱۴۰۵ق)، *تفسیر روح البیان*، ج ۷، بیروت، دار الفكر.
۲۵. دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱ق)، *التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول*، لبنان- بیروت، دار الغرب الإسلامی.

نقش تاریخ و جغرافیا در تفسیر و رمزگشایی از آیات ۱۸ و ۱۹ سوره سبأ

۲۶. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، لبنان-بیروت، دارالکتب العربی.
۲۷. سبزواری، محمد (۱۴۰۲ق)، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۲۸. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر سمرقندی (بحر العلوم)*، بیروت، دار الفکر.
۲۹. شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق)، *فتح القدير*، ج ۴، دمشق دار ابن کثیر.
۳۰. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۳ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶، دار الکتب الاسلامیه.
۳۱. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، *التفسیر الكبير: تفسیر القرآن العظيم (الطبرانی)*، اردن-اربد، دار الکتب الثقافی.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۳۸ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۸، تهران، مکتبه العلمیه.
۳۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، لبنان-بیروت، دار المعرفه.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، لبنان-بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۵. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)*، لبنان-بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، ایران-تهران، ناصر خسرو.
۳۷. قزوینی، عمادالدین زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۸۰ق)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، بیروت.
۳۸. کرباسی، محمدجعفر (۱۴۲۲ق)، *إعراب القرآن*، ج ۶، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۳۹. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، *النکت و العیون تفسیر الماوردی*، لبنان-بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

منابع انگلیسی

40. Alexander Sima, (2003), *Epigraphische Notizen zu Abraha's Damminschrift (CIH 541)*, Arabian Archaeology and Epigraphy, Volume13, ssue1, P. 126-132.
41. Christian Darles, Christian Julien Robin, Jérémie Schiettecatte, Ghassan El Masri, (2011), *Contribution à une meilleure compréhension de l'histoire de la digue de Ma'rib au Yémen*, J. halshs-00934878 V1.

42. Iwona Gajda, Christian Robin, (2011), *Le royaume de Himyar à l'époque monothéiste. L'histoire de l'Arabie du Sud ancienne de la fin du IVe siècle de l'ère chrétienne jusqu'à l'avènement de l'islam*, J. Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft, Vol. 161, No. 2, pp. 476-480.
43. Kühn, P., Pietsch, D., Gerlach, I. 2010. *Archaeological analyses around a Neolithic hearth and the beginning of Sabaean irrigation in the oasis of Ma'rib (Ramlat as-Sab'atayn, Yemen)*, Journal of Archaeological Science, 37/6, 1305-1310.
44. Michael J. Harrower (2008), *Mapping and dating incipient irrigation in Wadi Sana, Hadramawt (Yemen)*, J. Proceedings of the Seminar for Arabian Studies, 38: 1, 87-202.
45. Michael J. Harrower, (2010), *Geographic Information Systems (GIS) hydrological modeling in archaeology: an example from the origins of irrigation in Southwest Arabia (Yemen)*, Journal of Archaeological Science, 37, 1447-1452.
46. Mohammed Maraqtan, *Typology of Irrigation Systems in Ancient Yemen in the Light of the Epigraphic Evidence*, Proceedings of Water and Life in Arabia Conference, 14th-16th December, 2014.
47. Simpson, St John. (2002), *Queen of Sheba: treasures from ancient Yemen*, British Museum Press.
48. Wilkinson, T. J. (2003). *Archaeological landscapes of the Near East*. University of Arizona Press.

منابع دیجیتالی

49. <https://arwordshub.com/حدود-جزیره-العرب/>
50. <https://books.openedition.org/cefas/2523>
51. https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Yemen_100_BC.svg
52. https://mawdoo3.com/شبه_الجزیره_العربیة_قبل_الإسلام/